

فصل نامه علمی - پژوهشی پژوهش نامه‌ی تاریخ اسلام
سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۳
صفحات ۱۲۵ - ۱۴۹

بنیادهای اعتقادی فرقه ذکری و خاستگاه‌های آن^۱

عبداله صفرزایی*
هادی وکیلی**

چکیده

فرقه «ذکری» در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جنوب شرق ایران به‌ویژه بلوچستان تأثیر گذارده است. کار ذکری‌ها از اوایل سده یازدهم هجری در بلوچستان جنوبی یا مکران به مرکزیت کیچ آغاز شد. سرچشمه پیدایی این فرقه، آموزه‌های محمد جونپوری (اوایل قرن دهم) بود. وی از پرورش‌یافتگان طریقت چشتی شبه قاره هند به شمار می‌رفت که مدعی بود «مهدی موعود» است. به نقل از دست‌نوشته‌های مذهبی ذکریان قرون دوازدهم و سیزدهم، کسی به نام محمد آنکی مؤسس این فرقه بود که کمابیش یک قرن بعد از جونپوری، در کیچ بیشتر مقدسات و شعائر فرقه‌اش را تعیین کرد. آرام‌آرام برخی از حاکمان محلی و مردم مکران به گروه پیروان این فرقه پیوستند. اکنون پیروان ذکری به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند. گمان می‌رود آنان مبانی اعتقادی‌شان را از اندیشه ظهور مهدی موعود (عج) و تفکرات باطنی‌گری صوفیانه اقتباس کرده و با گذشت زمان آنها را با تأویلاتی همراه کرده و از رسوم محلی نیز تأثیر پذیرفته باشند. پژوهش‌های اندکی درباره ذکری‌ها سامان یافته و از این‌رو، ویژگی‌های تاریخی و خاستگاه فکری آنان به‌درستی روشن نشده است. هدف این نوشتار، تبیین بنیادهای فکری و خاستگاه اعتقادی ذکریان است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تاریخ شفاهی و تحقیقات میدانی، به روش تاریخی با شیوه توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است.

۱. تاریخ دریافت ۹۳/۰۲/۰۲؛ تاریخ پذیرش ۹۳/۰۸/۱۰.

* دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه فردوسی، گروه تاریخ، مشهد، ایران. Abdolhafsafarzaie@gmail.com

** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، گروه تاریخ، مشهد، ایران. vakili300@yahoo.com

کلیدواژگان

ذکری، مهدوی، محمد جونپوری، محمد اتکی، بلوچستان.

طرح مسئله

فرقه ذکری از اوایل قرن یازدهم هجری در بلوچستان جنوبی پدید آمد و به سرچشمه تحولات بزرگی در آن منطقه، بدل شد. این فرقه نخست رسته‌ای از اهل سنت حنفی و فرقه صوفیانه چشتی بود که با بهره‌گیری از باور به ظهور مهدی (عج)، از آن دور شد. این فرقه از اندیشه‌های محمد جونپوری (۸۴۷-۹۱۰) سرچشمه گرفت. محمد جونپوری در آغاز قرن دهم هجری در هندوستان ادعا کرد که مهدی موعود است. پس از مرگ او مریدانش به تبلیغ و ترویج اندیشه‌های مراد خود پرداختند. سرانجام کسی از پیروانش که به گمان قوی محمد اتکی (۹۷۷-۱۰۲۹) نام داشت، با بهره‌گیری از آموزه‌های جونپوری و تعبیر خاصی از آن آموزه‌ها، فرقه ذکری را در بلوچستان بنیاد گذارد. ذکری‌ها خودشان او را محمد مهدی می‌خوانند. آنان تفسیرها و تأویل‌های ویژه‌ای از مفاهیم کلیدی دین عرضه و فرائض و ارکان را به شیوه‌ای خاص اجرا می‌کنند. پشتیبانی حاکمان محلی، اوضاع اجتماعی بلوچستان و گرایش فراوان مردم به تصوف، در تثبیت و دوام این فرقه بسیار تأثیر گذارده است. این فرقه در سده‌های یازدهم به‌ویژه دوازدهم در مکران بسی گسترش یافت. پس از اینکه ذکری‌ها اواخر سده دوازدهم از حمایت سیاسی نابرخوردار شدند، آرام‌آرام به ضعف گراییدند و بسیاری از پیروان آنان، به کیش‌های دیگر روی آوردند. برخی از آنان در دهه‌های اخیر به بازسازی فکری و اعتقادی این فرقه پرداخته‌اند که با نام گروه جدت پسند شناخته می‌شوند. هم‌چنین کسانی که بر باورهای قدیمی‌شان پای می‌فشارند، به گروه قدامت پسند معروفند.

مسئله اصلی این پژوهش، این است که باورهای ذکری‌ها از کدام مبانی و اصول اقتباس شده‌اند. برای پاسخ‌گویی به پرسش، شناخت ذکری‌ها و بازگویی باورهایشان ناگزیر می‌نماید. فرضیه تحقیق این است که اندیشه ظهور مهدی (عج) و دیدگاه صوفیانه باطنی‌گری، خاستگاه باورها و اصول ذکری‌ها بوده است. سامان یافتن کتاب‌های بسیار و اجرای آیین‌های عبادی با محوریت امام مهدی و فضایل ذکر، بر این دلالت می‌کند که این دو موضوع، در پیدایی فرقه بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. البته

بحث‌هایی درباره تأثیرپذیری ذکرهای از اسماعیلیان نیز در میان است. پژوهش‌هایی سامان یافته تاکنون درباره فرقه ذکر، بسیار اندکند و هنوز زمینه‌های تاریخی و سرچشمه‌های مسائل اعتقادی‌شان تبیین نشده است. احتشام الحق آسیابادی به نسخ خطی و متون مذهبی منتشر نشده این فرقه دست یافته و پژوهش‌های نیکویی درباره ذکریان سامان داده، اما به روش کلامی در اثبات ارتداد آنان کوشیده است. برخی از دیگر محققان پاکستانی نیز به پیروی از او چنین کرده‌اند. محققان ذکر نیز به‌تازگی کتاب‌ها و مقالاتی در این باره به چاپ رسانده‌اند. این محققان از گروه جدت پسند به شمار می‌روند و از این رو، به بسیاری از شخصیت‌ها، آیین‌ها و باورهای گذشته گروهی از ذکریان، اشاره نکرده‌اند. بنابراین، درباره سرچشمه اندیشه‌ها و باورهای ذکرهای تأثیر عوامل تاریخی در پیدایی و تثبیت این فرقه، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. با توجه به مناسک رازآمیز ذکریان، منتشر نشدن متون مذهبی آنان و نوشتن ردیه‌های فراوان بر ضد آنان، شناسایی دقیق فرقه ذکر بس دشوار می‌نماید. کمبود منابع تاریخی در این باره نیز موجب شده است که شناسایی باورهای آنان در فرآیند مراحل گوناگون تاریخی سخت باشد. نگارنده با بهره‌گیری از بخشی از منابع اصلی ذکریان، پژوهش‌های امروزی آنان، پژوهش‌های دیگران درباره آنان و به کمک منابع شفاهی و آگاهان به فرقه ذکر، این پژوهش را به سرانجام رسانده است.

فرقه ذکر

از فرقه ذکر با نام‌های دیگری مانند مهدوی و داعی یا داعی نیز یاد کرده‌اند. مؤسس این فرقه مدعی بود که مهدی موعود است. بنابراین، پیروانش را مهدوی می‌خواندند. اعتمادالسلطنه در منطقه سرباز بلوچستان از ذکرهای نام برده است (۱۲۷۹ ق) که مرشدشان (بنیادگذار فرقه‌شان) را داعی یا داعی می‌نامیدند (اعتمادالسلطنه، ۲۷۷). کانونی‌ترین عبادت این فرقه، ذکر خواندن است و از همین روی، فرقه ذکر نیز نام دارند.

بیشتر کتاب‌های ذکریان، متون مذهبی با دو موضوع مهم امام مهدی (عج) و فضایل و مسائل ذکر است. *ثنای مهدی، مهدی‌نامه، سفرنامه مهدی،*

ذکر وحدت، از این دست آثارند. مقصود آنان از امام مهدی (عج) پیشوای فرقه آنان محمد مهدی است. بیشتر متون ذکری‌ها منظومند. دیوان اشعار شیخ محمد درافشان (۱۰۲۰-۱۰۴۰) از مهم‌ترین متون منظوم آنان به شمار می‌رود که در ۱۱۰۷ قمری پدید آمده و محمد نوری از محققان ذکری پاکستان اشعاری را از او با عنوان «در وجود»، چاپ کرده است (۱۹۸۵ م). این کتاب در نخستین مراحل پیدایی ذکریان نوشته شد و هنگامی که آنان در دوران بازسازی فرقه خود بودند، به چاپ رسید. احتشام الحق آسیابادی که به نسخه اصلی این کتاب دست یافته است، به حذف یا تصحیح شدن بخش‌هایی از آن باور دارد (آسیابادی، ۱۹۸۹، ۴۶).

منابع ذکری مؤسس این فرقه را محمد مهدی خوانده، اما سخن روشن و دقیقی درباره شخصیت تاریخی او عرضه نکرده‌اند. بنابراین، درباره بنیادگذار فرقه ذکری اختلاف‌هایی در کار است. بخشی از ذکریان امروزی و مورخان پاکستانی، محمد جونپوری را مؤسس فرقه ذکری می‌دانند. کسانی بر این باورند که کسی از پیروان جونپوری یا محمد نامی از اتک پنجاب، بنیادگذار فرقه ذکری بود. درباره ملا خدادا چراغ نیز سخنانی در میان است. وی از مریدان فرقه نعمت‌اللهی بود که در کیچ به گسترش فرقه ذکری می‌پرداخت (sabit, ۲۰۰۸, ۲۹۷). به گفته برخی از ذکری‌ها، مهدی نوری بود که در قالب انسانی فرود آمد، به موعظه پرداخت و دوباره از نظرها غایب شد (Ibid).

محمد جونپوری فرزند یوسف در جونپور هند زاده شد (۸۴۷ ق) و پس از فراگیری نخستین آموزه‌ها، با شیخ دانیال چشتی بیعت کرد و در سلک مریدان او درآمد. وی سرانجام در هند درباره مهدویت دعوی کرد و در ۹۰۱ قمری به مکه رفت و در آنجا دوباره ادعایش را بازگو کرد (الحسنی، ۱۹۴۵، ۳۲۲). جونپوری در بازگشت به هند بر این دعوی پای می‌فشرد. بنابراین، او را از سرزمین هند راندند و او از مسیر سند به قندهار رفت و در فراه افغانستان درگذشت (۹۱۰ ق) و همان‌جا به خاک سپرده شد. از وی در منابع هندی با عنوان «اعظم اولیای کبار» یاد کرده‌اند (بداؤنی، ۱۳۸۰، ۲۲۰). گفته‌اند جونپوری عارفی وارسته بود نه کسی طالب قدرت و دنیاطلب. بنابراین، کسان بسیاری از حکما و علما به او پیوستند. همه منابع درباره تولد و وفات او متفقند، اما

بحث درباره این است که او خودش را مهدی به معنای موعود یا به معنای هدایت شده خوانده است (الحسنی، ۱۹۴۵، ۳۲۲-۳۲۴). نسب‌نامه تطبیقی او پیدایی فرقه مهدوی پس از وفاتش، بر ادعای مهدویت او دلالت می‌کند. نسب‌نامه‌ای که برایش سامان داده‌اند، به نقل از دست‌نوشته‌های ذکری چنین است: «سید محمد مهدی موعود بن سید عبدالله بن سید خضر بن سید موسی بن سید قاسم بن سید نجم‌الدین بن سید عبدالله بن سید یوسف بن سید یحیی بن سید جلال‌الدین بن سید اسماعیل بن سید نعمت‌الله بن امام محمد باقر بن سید امام علی‌اصغر بن امام حسین بن شاه مردان علی کرم‌الله وجهه». با توجه به این نسب‌نامه، او فرزند یوسف است (دامنی، ۱۳۸۳، ۱۹-۱۸). پیروان محمد جونپوری نزدیک به یک قرن در هند ماندند، اما با فشار علمای درباری و ماجراجویی‌های خودشان، جایگاه خود را از دست دادند (احمد، ۱۳۶۶، ۴۳). کمابیش هم‌زمان با همین فاصله زمانی، شاخه‌ای از این فرقه در بلوچستان با روی‌کردی جدید کارهایش را از سر گرفت.

روایات تاریخی کم‌تر به محمد اتکی اشاره کرده‌اند. به گفته ضیاء الحق صدیقی، ملا محمد نامی کمابیش ۴۵۰ سال پیش از وطنش اتک به سفر حج رفت و در آن‌جا درباره نبوت دعوی کرد و در بازگشت از مسیر شام و عراق، به ایران و بلوچستان رفت و آن‌جا را به سبب جهل اهالی منطقه مناسب دید و درباره مهدویت؛ سپس نبوت ادعا کرد (صدیقی، ۱۹۸۹، ۳). دست‌نوشته‌های ذکری‌ها از تولد و وفات محمد مهدی چیزی نگفته، بلکه از ظهور و غیبت او سخن رانده‌اند. به نقل از منابع ذکری، وی ۹۷۷ قمری در اتک، واقع در پنجاب پاکستان ظهور کرده و در ۱۰۲۹ قمری در کیچ از نظرها غایب شد (بلوچ، ۱۹۹۲، ۱۰). نویسنده ذکری مذهب اور اسلام، از دست‌نوشته‌های شیخ محمد قصر قندی اشعاری درباره این ماجرا، چنین نقل کرده است:

چون بشر از سال احمد نهصد و هفتاد و هفت

ذات پاک او قدم بنهاد در هندوستان

از وفات مصطفی چون الف یوم آمد تمام

نور بالای نور شد بلاریب و بی گمان

چون هزار و بیست و نه سال از پس احمد رسید

آن گهر پنهان بشد در گاه‌های لامکان

(همان، ۱۱)

اگرچه نسب‌نامه ساختگی محمد اتکی در منابع ذکری، با نسب‌نامه محمد جونپوری یکسان است، با توجه به زندگی‌نامه ابن دو، آنان هرگز یک شخصیت تاریخی نبوده‌اند، بلکه خوش‌بینانه می‌توان گفت که محمد اتکی شخصیتی خیالی و ساخته و پرداخته ذکریان بعدی بوده است، اما نمی‌توان مؤسس ذکری را محمد جونپوری دانست، بلکه کس دیگری از پیروانش، این فرقه را پس از او بنیاد گذارد. پس از غایب شدن محمد اتکی، کیش ذکری با مرکزیت کیچ در مکران گسترش یافت. تعیین اماکن مقدسه و برگزاری آیین‌های مذهبی در کیچ، در تثبیت فرقه ذکری بسیار تأثیرگذار بود. کیچ از مهم‌ترین شهرهای مکران قدیم بود که آن را دارالملک مکران خوانده‌اند (استخری، ۱۳۷۳، ۱۷۹). کیچ بیش از یک قرن دارالحکومه ذکریان بود. این شهر امروز در جنوب غرب پاکستان نزدیک مرزهای ایران قرار داد و هنوز هم مرکز دینی فرقه ذکری است. اوضاع علمی، فرهنگی و اجتماعی بلوچستان در آن زمان نیز زمینه را برای رونق و گسترش این فرقه فراهم آورد.

روی آوردن برخی از حاکمان محلی به کیش ذکری و حمایت از آن، از دیگر عوامل تقویت این فرقه به شمار می‌آید. بیشتر مناطق مکران پیش از مطرح شدن ذکری‌ها، در دست خاندان ملک‌ها بود. حکمران کیچ در زمان شاه عباس، ملک میرزا نام داشت (واله قزوینی، ۱۳۸۳، ۱۶۳). با مطرح شدن کیش ذکری، دو خاندان مهم بلیده‌ای و گیچکی به جرگه ذکریان درآمدند. بلیده‌ای‌ها از عمان به مکران آمده‌اند (زند مقدم، ۱۳۷۸، ۲۲۶). نخستین فرد از خاندان بلیده‌ای ابوسعید نام داشت که در ۱۰۳۵ قمری با هم‌کاری عیسی گیچکی، ملک میرزا را در منطقه سرباز شکست داد و بر بخش‌هایی از مکران چیره شد (عبدالمجید، ۱۶۳). پس از آن بلیده‌ای‌ها بر کیچ و قصرقند و نیک‌شهر و گیچکی‌ها بر پنجگور مسلط شدند. پنجگور در دو منزلی شمال کیچ قرار دارد و از شهرهای آباد و قدیمی مکران قدیم به شمار می‌رود (مقدسی، ۱۳۸۵، ۷۰۳). ماجرای

گرایش ابوسعید بلیده‌ای به ذکری‌ها و گسترش قدرت او در مکران، در منابع آن زمان آمده است. تذکره صفویه کرمان از فتنه ابوسعید گیلانی در مکران یاد کرده است (مشیزی، ۱۳۶۹، ۷۲). مقصود همین ابوسعید است که به اشتباه او را گیلانی دانسته‌اند. نویسنده گم‌نام تاریخ انبیا و اوصیا و ملوک ایران، ابوسعید را مروج زنادقه در مکران خوانده است (بنی‌نا، ۷۸).

آخرین حکمران بلیده‌ای‌ها، شیخ بلال بود که به اسلام حنفی روی آورد و ملک دینار گیجکی (۱۱۵۳-۱۱۸۸) او را کشت. ملک دینار کمابیش ۳۵ سال با اقتدار حکم راند برای گسترش ذکری‌ها بسیار کوشید، اما با حمله نصیرخان حاکم کلات از پای در آمد (نعیمی، ۲۳۵). یورش‌های مکرر نصیرخان به کشته شدن شمار فراوانی از ذکری‌ها انجامید. افزون بر این، شمار بسیاری از آنان به حنفیان پیوستند و شماری از آنان هجرت کردند و دوران افول ذکری‌ها آغاز شد (نصیر، ۵۳-۵۰). اختلافات فکری میان ذکریان هم‌زمان با حکمرانی خاندان گیجکی بر کیچ، پیدا شد. برخی از ذکریان امروزی بر این باورند که ملک دینار و پدرش ملا مراد در کیش آنان بدعت آوردند (ایران‌دوست، ۱۳۹۲).

دومین مسئله‌ای که به کاهش شمار ذکریان به‌ویژه در بلوچستان ایران انجامید، درگیری شیخ گلابی ذکری و مولوی عبدالله سربازی با یک‌دیگر (۱۳۱۵ ش) بود (بزرگ‌زاده، ۱۳۸۴، ۱۵۴). این ماجرا موجب شد که بیشتر ذکری‌های ایران به کیچ هجرت کنند (درافشان، ۱۹۸۵، ۶). پس از آن، بر اثر فشار حکام و تبلیغ مبلغان، بسیاری از ذکریان به جرگه حنفیان پیوستند. کسانی نیز در زمان آقاخان سوم (۱۸۸۶-۱۹۵۷) به اسماعیلیان پیوستند (جعفری، ۱۳۴۲، ۸۷۷). ذکریان اندکی نیز به تشیع اثناعشری روی آوردند. پس از جدایی پاکستان از هند، گروه کوچک مهدویان هند به سرکردگی شهاب‌الدین یدالهی به پاکستان هجرت و بر اثر تعامل با بخشی از ذکریان، آنان را به اندیشه‌ها و باورهای خود نزدیک کردند. گسستگی آشکاری بر اثر این تعاملات در ذکریان پیدا شد. کسانی که با مهدویان در تعاملند و محمد جونپوری را مهدی می‌دانند، به «جدت پسند» معروفند و کسانی که سنتی رفتار می‌کنند و محمد اتکی را مهدی می‌دانند، «قدامت پسند» شناخته می‌شوند (سرافرازی، ۱۳۹۰، ۵۷). امروز ذکریان ایران

در روستای گرمین بیت دشتیاری از توابع چابهار در مناطق کوهستانی سرباز پراکنده‌اند. ذکریان پاکستان نیز در شهرهای پنجگور، کیچ، لس بیل، گوادر، کراچی و حتی سند می‌زیند (sabir, ۲۰۰۸, ۲۹۳). به دست آوردن آمار دقیق آنان بر اثر سرّی بودن اعمال و مناسک دینی‌شان، کمابیش دشوار است.

باورها

بررسی باورهای فرقه‌ها کار آسانی نیست؛ زیرا متون دینی به خوانش‌های گوناگونی تفسیر و تعبیر می‌شوند. درباره برخی از فرقه‌ها، افزون بر تفسیر و تعبیر، تأویل نیز در میان است. بنابراین، کار مشکل‌تر می‌شود. پژوهش درباره فرقه‌های درون‌گرا و رازورانه با اعمال و مناسک بسته، از اینها دشوارتر است. گذشته تاریخی کمابیش نانوشته بلوچستان نیز بر این مشکلات می‌افزاید. منابع مکتوب تاریخی به شناخت فرآیند تطور تاریخی باورهای فرقه‌ها، بسیار کمک می‌کنند، اما بر اثر کمبود منابع تاریخی در این باره، دست‌یابی به چنین شناختی از ذکرهای کمابیش دشوار است. گمان می‌رود ذکرهای از دید اعتقادی سه مرحله تاریخی را گذرانده باشند:

۱. سرآغاز پیدایی که هنوز از بدنه اصلی خود دور نشده بودند؛
 ۲. دوره میانی که در آن، انحراف، اغراق، تأویل، باطنی‌گری و تعطیلی احکام دینی نزد ذکریان دیده می‌شود و زمینه انشعاب درونی آنان پیدا شد؛
 ۳. سده اخیر است که در آن به دو گروه بزرگ منشعب شدند.
- با توجه به این سه مرحله تاریخی، باورهای ذکرهای در سه بخش بررسی می‌شود:

الف) توحید، مبدأ و معاد

بر پایه متون مذهبی ذکریان، مسئله اختلافی مهمی درباره باور به ذات و صفات خداوند میان آنان نیست. آنان در نخستین مرحله تاریخی فرقه‌شان، کمابیش در قالب کلام اشعری و فقه حنفی درباره مسائل توحیدی، قضا و قدر، مبدأ آفرینش و حتی معاد می‌اندیشیدند. مضامین بیشتر اشعار شیخ محمد قصرقندی که از ذکریان نخستین بود، درباره وصف باری - تعالی - است. او در شعرهایی با عنوان‌های «سبحان الله»، «وحده لاله الا الله»، «جل الله بگو»، «استغفر الله»، «یا الله»، «فریادرس خدایا» و...، به ذکر توحید

خداوند پرداخته و برای نمونه، در ابیاتی که گل چین اشعار فراوان او به شمار می‌رود، چنین سروده است:

به وحدت تو گواهند عرش تا کرسی
زمین و گنبد نیلی حصار یا الله
گشاده جمله زبان‌ها به وصف توحیدت
در خدمت بحر و بر کوهسار یا الله
قائم و دائم و قیوم و قدیم است به ذات
او سزاوار عطا هست ثنا است و صفات
زده از حکم ازل راقمه موت و حیات
روح انسانی و حیوانی و جمادات و نبات

(درافشان، ۱۹۸۵، ۸۷ - ۲۹)

شیخ محمد افزون بر وصف یگانگی خداوند، در اشعاری با عنوان‌های «آفرینش همه طلب جوین»، «طلب دیدار خدا»، «یوم حساب» و «مرگ آدمی»، به مبدأ به‌ویژه معاد اشاره کرده است. با توجه به اشعار وی، او همچون اشعریان بیشتر به تقدیر می‌گرایید و به معاد جسمی و دیدار بصری خداوند اشاره می‌کرد. با توجه به متون مذهبی شماری از ذکریان دوره میانه، آنان به وحدت وجود و شأن الوهیت مهدی‌شان معتقد بودند (آسیابادی، ۱۳۹۹، ۳۸). افزون بر این، مهدی را واسطه آفرینش دیگر کائنات و حتی واسطه اداره جهان می‌دانستند (نعیمی، ۲۴۰-۲۳۹). شاخه جدت پسند در مرحله سوم (دوره انشعاب) از دید اعتقادی بیشتر با ذکریان مرحله نخست منطبق بودند و ذکریان قدامت پسند همانند ذکریان دوره میانه می‌اندیشیدند.

ب) نبوت و امامت

بنیادی‌ترین مسئله اعتقادی ذکریان، ظهور امام مهدی (عج)، جایگاه و رتبه اوست. ذکریان کتاب‌های فراوانی با عنوان‌های *مهدی‌نامه*، *سفرنامه مهدی* و *ثنای مهدی* نوشته‌اند که به نیکی بر این دعوی دلالت می‌کند. از زمان محمد جونیپوری تا زمانی که مهدویون در هند می‌کوشیدند، تنها بر مهدی دانستن محمد

جونپوری و از پس آن، توجه به اصل امر به معروف و نهی از منکر در حد اجبار و اقدام به زور، تأکید می‌شد (فرشته، ۱۳۸۷، ۲، ۱۱۶). منابع هندی آن زمان نشانی از ادعای نبوت او ندارند. پیروان محمد جونپوری با توجه به محدودیت‌های فراوان فراروی آنان در هند، در بلوچستان متمرکز شدند و روی‌کردشان آرام‌آرام تغییر کرد. محمد مهدی پیشوای ذکریان در بلوچستان نخست با نام «مهدی موعود» مطرح شد. بر پایه باورهای ذکریان نخستین، مهدی موعود که حضرت محمد (ص) درباره آمدنش نوید داد، همین محمد مهدی ذکریان بود و تا قیامت مهدی دیگری ظهور نخواهد کرد (سرافرازی، ۱۳۹۰، ۴۴). کتابی از کتاب‌های ذکریان با عنوان «ذکری کون هین» در این باره چنین آورده است: «آن جناب در شب دوشنبه وقت سفیدی بام سمت قطبی شهر به زمین به صورت انسانی و در لباس درویشی در منطقه کوهستانی اتک بر بلندترین کوهی در سال ۹۷۷ فرود آمدند» (بلوچ، ۱۹۹۲، ۱۰). نیز ابیات شیخ محمد قصر قندی در بخش موسی‌نامه چنین نقل شده است:

آنکھی گفتند در تفسیر خود اهل کتاب جانب مکہ درآید سرورین قدسیان
این خیال باطل قولی است فی‌الجمله دروغ زآنکه مهدی‌ازسوی مشرق درآید بی‌گمان
بی‌گمان آمد به عالم بهترین انجمن مهدی دیگر نبوده هم نیاید بعد از آن
(آسیابادی، ۱۹۸۵، ۳۷)

نزد مدعیان مهدویت یا پیروانشان پس از ادعای مهدی موعود بودن، ماجرا پایان نمی‌یافت؛ زیرا با ادعای ظهور، آرمان‌های آنان به سرانجام می‌رسید. از این‌رو، در پی آرمان‌های تازه، ماجرا را دنبال می‌کردند؛ یعنی نخست وانمود می‌کردند که ویژگی‌های مهدی موعود را دارند، اما گذر زمان روشن می‌کرد که ویژگی‌های عصر ظهور و مُصلح موعود، در آنان نیست. بنابراین، برای پی‌گیری کار، ادعاهای فراتر از آن مطرح می‌کردند. این دعوی درباره ذکریان نیز صادق است. به نقل از متون مذهبی ذکریان دوره میانه، آنان آرام‌آرام محمد مهدی را پیامبر (به‌ویژه پیامبرخاتم) می‌انگاشتند که دین و شریعت تازه‌ای داشت و مناقب بسیاری را از مناقب پیامبر اسلام (ص) به او نسبت می‌دادند (آسیابادی، ۱۳۹۹، ۱۷). ادعای «ختم المرسلین» دانستن محمد مهدی نزد برخی از ذکریان، با خاتم المرسلین بودن حضرت محمد (ص) متعارض بود. بنابراین،

برای توجیه این تعارض به داستان‌های ساختگی دیگری روی آوردند. نمونه‌ای از بلندترین داستان‌ها در این باره، در *معراج‌نامه* ملاکمالان آمده است (صدیقی، ۱۹۸۹، ۸). اعتقاد به نبوت محمد مهدی، در برخی از اذکار آنان نیز دیده می‌شود که همچون کلمات طیبه و تشهدند. چند نمونه از اذکار ذکرهای چنین است: «لا اله الا الله نور محمد مهدی رسول الله»، «لا اله الا الله نور پاک نور محمد مهدی رسول الله»، «لا اله الا الله الملک الحق المبین نور پاک نور محمد مهدی رسول الله صادق الوعد الامین». این اذکار که از ذکر وحدت، نور تجلی و *سفرنامه مهدی* اقتباس شده‌اند، در آیین ذکرخوانی پنج‌گانه‌شان بارها خوانده می‌شوند (آسیابادی، ۱۹۸۹، ۲۲-۲۱).

برخی از شیوخ ذکر از این نیز فراتر رفتند و حتی مهدی را از جنس نور دانستند. از دید آنان مهدی درگذشته، بلکه نوری بوده که به عالم بالا رفته و با خداوند متعال هم‌نشین شده است (آسیابادی، ۱۳۹۹، ۱۷). *سفرنامه مهدی* و *معراج‌نامه* چنین آورده‌اند که خداوند در شأن مهدی فرمود: «قال هو منی و انه منہ» (همان، ۳۸). از دید ذکرهای، خداوند مهدی را از نور خودش و همه کائنات دیگر را از نور مهدی آفرید. انبیا، اولیا و دیگر مقامات مقدسه تنها از نور مهدی فیض حاصل کرده‌اند. عزیز لاری از مهدی نقل کرده است که اگر مهدی نبود، خداوند آسمان‌ها، دنیا و اندرونش را نمی‌آفرید (نعیمی، ۲۴۱-۲۳۹). ذکریان شاخه جدت پسند بر این باورند که این ادعاها، در سخنان بخشی از ذکریان میانی آمده است که در کیش ذکر بدعت آوردند.

ج) کتاب آسمانی

از دیگر موضوعات اعتقادی مناقشه‌برانگیز نزد ذکریان، کتاب آسمانی است. به باور بسیاری از آنان، توضیح و تفسیری از قرآن صحیح است که از محمد مهدی منقول باشد. *سفرنامه مهدی و ثنای مهدی* آورده‌اند: «فرقان چهل جزء بوده که ده جزء از آن مهدی انتخاب کرده که ده جزء مخصوص اهل باطن است و سی جزء موجود برای اهل ظاهر است» (آسیابادی، ۱۳۹۹، ۱۸). بنابر دیگر روایات، ماجرا چنین است که مهدی در لوح محفوظ همه صحیفه‌های آسمانی را پیش از نزول آنها دید و

خداوند بزرگ به او رخصت داد تا صحیفه‌ای برای خودش برگزیند. مهدی از کتاب‌های دیگر چهار مسئله و از چهل جزء قرآن، فقط ده جزء برگزید. این ده جزء به گفته ذکری‌ها، رمزهای خداوندی بودند و نام این مجموعه *برهان* یا *کنز الاسرار* است که در همان زمان کنار درخت کهور در کیچ بر او نازل شد (صدیقی، ۱۹۸۹، ۹). به‌رغم مباحث مطرح درباره کتاب آسمانی ذکریان، بیت‌هایی در برخی از متون آنان مانند دیوان اشعار شیخ محمد درافشان هست که بر ایمان و اعتقاد کامل آنان به قرآن دلالت می‌کند:

یافت سید که جبرائیل است این که نموداست ره سوی ایمان
 راستی و درستی قرآن چون به سامان عیان نمود بیان
 (درافشان، ۱۹۸۵، ۵۰)

دیوان اشعار درافشان را کسی از ذکریان تصحیح کرده است، اما بدبینی‌هایی در این باره هست. با توجه به روح این اشعار، او به قرآن ناظر بوده و در بسیاری از ابیاتش، مضامین قرآنی را در مفاهیم فراوان به کار برده است. شاید این تناقض آشکار در آثار ذکریان، به سیر تطور تاریخی عقاید آنان مرتبط بوده باشد و ذکریان در مراحل بعدی به تأویل و تعبیر آیات قرآن روی آورده و به گزینش بخش‌هایی از قرآن پرداخته باشند. *برهان التّ ویل* در منابع غیر ذکری بارها یاد شده است و شماری از منابع دوره میانه ذکری، مستقیم یا نامستقیم به آن اشاره کرده‌اند، اما هیچ یک از محققان مطلب خاصی را به این کتاب ارجاع نکرده است. البته همه آنان به وجود خارجی‌اش مدعند. بدل خان از محققان معاصر در زمینه ذکریان، در تحقیقات میدانی درازدامنی درباره آنان، گفته است: نسخه‌هایی از قرآن در ذکرخانه‌های (مساجد) آنان نگاه‌داری می‌شود که آنها را ناشران حنفی پاکستان چاپ کرده‌اند. محققان امروزی شاخه جدت پسند ذکری‌ها نیز وجود خارجی کتابی آسمانی را با نام *برهان التّ ویل* با ویژگی‌های یاد شده، انکار می‌کنند (sabir, ۲۰۰۸, ۳۰۲). شاید نسخه‌هایی از قرآن در معابد ذکریان بر اثر فشار نقدهای هم‌سایگان سنی آنان پیدا شده باشد. البته اثبات وجود کتابی به نام *برهان التّ ویل* امکان‌پذیر نیست و چنانچه کتابی با این عنوان

نموده باشند، بحث تأویل آیات قرآنی و تعطیل برخی از احکام دینی نزد آنان، انکارناپذیر است.

آیین‌های عبادی

بررسی آیین‌های عبادی، از راه‌های شناخت فرقه‌هایی است که متون مقدسشان منتشر نمی‌شود. آیین‌های عام فرقه‌ها و اقلیت‌های دینی صوفیانه، آزادانه و آشکار برگزار می‌شود، اما آیین‌های خاص آنان بیشتر در گروه‌های کوچک و بسته، به صورت تعلیمی صورت می‌پذیرد. بررسی آیین عبادی ذکریان از بهترین روش‌ها برای شناخت اندیشه‌ها و باورهای آنان به شمار می‌رود. بسیاری از پیروان ذکر که سال‌ها بر آن کیش بوده و در آن آیین‌ها فعالانه شرکت کرده‌اند، به علل و دلایلی در مراحل جداگانه تاریخی به حنفیان پیوستند. اینان بهترین منبع برای بازگویی شیوه دقیق اجرای آیین‌های مذهبی ذکریانند. اعمال و مناسک عبادی ذکریان به دو بخش جداگانه تقسیم می‌شود: ارکان و فرائض و کارهای آیینی یا نوافل و مستحبات.

ذکر خواندن نزد ذکری‌ها از ارکان و فرائض و تکالیف به شمار می‌رود. آنان نماز نمی‌خوانند و به جای آن ذکرها و وردهای خاصی را کمابیش در اوقات نمازهای پنج‌گانه بر زبان می‌آورند (آسیابادی، ۱۳۹۹، ۲۲). محمد جونپوری نیز مقام ذکرخوانی را نزد مهدوی‌ها تا سطح تکلیف بالا برد، اما به اصول و ارکان شریعت به‌ویژه نماز پای‌بند بود (سرافرازی، ۱۳۹۰، ۶۹). ذکری‌ها اذکار را در آیین‌های خاص و عام به صورت‌های جمعی و فردی، آشکار و آهسته، ایستاده و نشسته زمزمه می‌کنند. اذکار تکلیف‌وار آنان که جایگزین نمازهای پنج‌گانه به شمار می‌رود، چنینند:

۱. ذکر «گُوربام»

این ذکر نزدیک طلوع آفتاب آشکارا خوانده می‌شود. گوربام واژه‌ای بلوچی برگرفته از خور بام است؛ یعنی مقارن با طلوع صبح صادق. این ذکر جمعی و همراه با رکوع و سجده خوانده می‌شود؛



۲. ذکر «نیم روح»

نیم روح به معنای نیم‌روز است. این ذکر هنگام ظهر هم پنهان و هم آشکار و در قالب جماعت خوانده می‌شود؛

۳. ذکر «روح زرد»

روح زرد؛ یعنی هنگامی که خورشید زرد رنگ می‌شود. این ذکر پیش از غروب خورشید پنهانی و فردی همراه با رکوع و سجده خوانده می‌شود؛

۴. ذکر «سرشپ»

این ذکر آغاز شب (وقت عشا) آشکارا و جمعی خوانده می‌شود؛

۵. ذکر «نیم شپی»

این ذکر نیم شب (مانند نماز تهجد) پنهانی و شب‌های جمعه آشکارا خوانده می‌شود (صدیقی، ۱۹۸۹، ۱۴-۱۳).

ذکری‌ها اذکارشان را در ذکرخانه‌ها می‌خوانند. ذکرخانه نزد آنان همچون مسجد است، اما منبر، محراب و مناره ندارد. توجه به قبله نزد آنان لازم نیست. بنابراین، ذکرخانه آنان محراب ندارد. آنان با استناد به آیات «فاینما تولوا فثم وجه الله» و «نحن اقرب الیه من جبل الوریث»، بر این باورند که خداوند همه جا حاضر و از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است. بنابراین، به زعم آنان هنگام اجرای عبادت و ذکرخوانی لازم نیست به سویی متوجه شوند. البته با توجه به نقد حنفیان معاصر درباره آنان؛ یعنی اینکه ذکریان به کعبه باور ندارند و کعبه آنان کوه مراد واقع در کیچ است، به ظاهر محراب و مناره‌ای در ذکرخانه‌هایشان ساخته‌اند (sabir, ۲۰۰۸، ۳۰۱-۳۰۳).

ذکریان درباره زکات سخت‌گیرند و به جای یک‌چهلیم مال، یک دهم را سهم زکات می‌دانند (لدهیانوی، ۱۴۱۰، ۲۸). وجوب ادای زکات (یک‌دهم مال) نزد آنان، موجب شده است که پیشوایانشان به مال‌اندوزی متهم شوند و از این‌رو، هم‌سایگان حنفی‌شان آنان را نقد و متهم کرده‌اند. متون ذکری‌ها چیزی درباره حج در بر ندارند (آسیابادی، ۱۳۹۹، ۲۰). البته آنان تجمع‌های بزرگ سالانه‌ای در کوه مراد برگزار می‌کنند. کوه مراد واقع در کیچ نزد ذکری‌ها، مرکز زمین است و آنان معتقدند که آرزوهایشان آن‌جا برمی‌آید. به باور آنان، محمد مهدی ده سال آن‌جا ساکن بود (sabir, ۲۰۰۸، ۳۱۶).

مکان‌های مقدس فراوانی نیز پیرامون کوه مراد هست که به مکان‌های مقدس سرزمین مکه بسیار همانندند. از دید ذکریان، این مکان‌ها جایگاه زهد، ریاضت و چله‌نشینی عرفا و بزرگان آنان بوده است. افزون بر این، پیرامون کوه مراد حصارى کشیده‌اند که گویی داخل آن، محدوده حرم انگاشته می‌شود و برخی از آیین‌های زیارتی آنان، طواف‌گونه است (آسیابادی، ۲۰۰۴، ۲۱-۲۰). از این روی کسانی کعبه ذکریان را همان کوه مراد دانسته‌اند، اما خودشان چنین چیزی را انکار می‌کنند، بلکه مدعی‌اند کوه مراد نزد آنان زیارت‌گاه است و کسانی که به زیارت آن مشرف می‌شوند، حاجی نام نمی‌گیرند، بلکه آنان را زیارتی می‌خوانند (ایران‌دوست، ۱۳۹۲). البته شاید زیارتی خواندن به بلوچی، در همان معنای حاجی عربی به کار رفته باشد. ذکریان هم‌چنین مدعی‌اند که کوه مراد زیارت‌گاهی شبیه زیارت‌گاه‌های دیگر فرقه‌های اسلامی است، اما با توجه به مناسک و اعمال آنان، می‌توان دریافت که چیزی فراتر از آن زیارت‌گاه‌هاست. درباره روزه گرفتن ذکریان نیز بحث‌هایی در میان است. آنان خود اذعان می‌کنند که سراسر رمضان را روزه می‌گیرند و افزون بر این، روزه‌های تکلیفی دیگری نیز برای روزه‌داری دارند (همان). دیگران بر این باورند که وجوب روزه‌داری رمضان نزد آنان منسوخ و به جای آن روزه‌داری ده روز نخست ذوالحجه و تنها بخشی از رمضان واجب شده است (لدهیانوی، ۱۴۱۰، ۲۸).

رسوخ سنت‌ها و گرایش‌های قومی در مردم بلوچستان به اندازه‌ای است که عام‌ترین اصول اهل سنت حنفی را نیز از آن متأثر می‌توان دید (pastner, ۱۹۷۳, ۲۳۱). سنت‌های قومی در کیش ذکرى که تنها در جغرافیای قوم بلوچ پدید آمد و گسترش یافت، بیش از دیگر جای‌ها نمایان شده است. آیین چوگان از مهم‌ترین آیین‌های محلی ذکریان به شمار می‌رود. این آیین با آیین باستانی ایرانیان با نام بازی گوی و چوگان، متفاوت است. چوگان ذکرى‌ها تجمعی همگانی و جشنی مذهبی همراه با شعرخوانی و سماع است. خواندن اشعار و ابیاتی موزون همراه با رقص و سماع در وصف خدای متعال، پیامبر (ص)، مهدی، پیشوایان این فرقه و کوه مراد اصلی‌ترین برنامه آنان در این آیین به شمار می‌روند (صدیقی، ۱۹۸۹، ۱۶). زن و مرد و پیر و جوان با عشق و علاقه برای برگزاری این آیین در میدان‌های گسترده شرکت می‌کنند. همه آنان دایره‌وار می‌ایستند؛

آن‌گاه خواننده‌ای خوش‌آواز و ماهر، ابیاتی را با آواز همراه با رقص، وسط این دایره می‌خواند و دیگر اعضای حلقه نیز با او هم‌آهنگ می‌شوند و مصرع دوم ابیات او را گروهی پاسخ می‌گویند (آسیابادی، ۱۳۹۹، ۳۶).

چوگان از آیین‌های قومی بلوچ‌ها بوده است. به باور ذکری‌ها ملا خدادا چراغ این آیین سنتی قومی را به آیینی مذهبی بدل کرد (سده یازدهم) تا به همه روی‌دادهای روزانه زندگی، رنگی مذهبی بزند. آیین چوگان، گونه‌های فراوانی دارد و اصول و آداب خاصی را در برگزاری آن پاس می‌دارند. بزرگ‌ترین آیین چوگان ده شب نخست ذوالحجه، ده شب پایانی رمضان، پانزدهم شعبان، سالی دوبار هنگام تطابق ماه شب چهاردهم با شب جمعه و بعد از برداشت خرما در فصل تابستان، برگزار می‌شود. این آیین را گروه‌های کوچک نیز در میدان‌های دیگر شهرها و آبادی‌ها اجرا می‌کنند (sabir, ۲۰۰۸, ۳۱۶). زنان در گذشته در آیین چوگان بیش از امروز حاضر می‌شدند (سرافرازی، ۱۳۹۰، ۶۶). آیین چوگان به‌رغم اینکه عبادتی نفلی شمرده می‌شود، همچون نخ تسبیحی، ذکریان را از تفرق برکنار می‌دارد. گمان می‌رود آیین چوگان ذکری‌ها، آمیزه‌ای از سنت‌های قومی و سماع صوفیانه باشد.

خاستگاه‌های فکری و اعتقادی

خاستگاه اعتقادی و فکری ذکریان، بر اثر تشابهات رایج بسیاری از فرقه‌ها، گم‌راه‌کننده است. برای برکناری از خطا در این زمینه، افزون بر باورها و مناسک مشترک دو فرقه، حلقه ارتباطی تأثیرپذیری یکی از دیگری باید روشن شود. افزون بر تأثیرگذاری ظاهری ادیان و اندیشه‌ها در بسیاری از فرقه‌ها، گنجایی‌های فراوان فکری و اعتقادی دین یا آیینی، زمینه را برای پیدایی خوانش‌های ناهم‌گون درباره‌اش فراهم می‌آورد و از این‌رو، فرقه‌هایی رخ می‌نمایند. نمونه آشکار چنین تفرقی در مذهب ذکری‌ها نمایان است. درباره خاستگاه فکری ذکریان سه موضوع اندیشه مهدویت، گرایش‌های صوفیانه و تفکرات باطنی اسماعیلی بیش دیگر عوامل مطرح‌اند.

الف) مهدویت

اعتقاد به منجی و مهدی آخر زمان در همه ادیان آسمانی مطرح و اندیشه ظهور

مهدی (عج) در اسلام نیز آشکارا است. فرقه‌های اسلامی در تفسیر و فروع این اندیشه با یکدیگر متفاوتند، اما همه فرقه‌ها به‌ویژه دو گروه بزرگ تشیع و تسنن در این باره با یکدیگر متفقند. بنابر تاریخ اسلام، افراد فراوانی میان هر دو گروه، درباره مهدویت دعوی کرده‌اند که گذر زمان ادعای بی‌اساس و پوچ آنان را آشکار کرده است. به‌رغم شاخ و برگ‌هایی تفکرات عامیانه اهل سنت درباره ظهور حضرت مهدی (عج)، اصل مسئله ظهور در منابع مهم و بنیادی آنان دیده می‌شود. به برای نمونه، سنن ابوداود، سنن ترمذی و مسند امام احمد بن حنبل که از کتاب‌های معتبر و صحیح اهل سنت به شمار می‌روند، با نقل احادیث بسیاری از پیامبر (ص)، این موضوع را آشکارا نقل کرده‌اند.

سنن ابوداود در باب «المهدی» احادیث فراوانی به نقل از پیامبر (ص) آورده

است که بر ماجرای ظهور مهدی (عج) دلالت می‌کنند. ترجمه چکیده این احادیث چنین است:

اگر از دنیا یک روز باقی مانده باشد، قطعاً خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا در آن روز مردی از اهل بیت پیامبر که اسم او هم‌نام پیامبر و نام پدرش نام پدر پیامبر است، زمین را از قسط و عدل پر کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم پر شده بود.

حدیث دیگری درباره اینکه امام مهدی (عج) در مکه میان رکن و مقام ابراهیم، ظهورش را اعلام می‌کند و مردم با او بیعت می‌کنند، از پیامبر نقل کرده‌اند که ترجمه بخشی از آن چنین است:

.... پس مردی از اهل مدینه خارج می‌شود؛ در حالی که به سوی مکه حرکت می‌کند. انسان‌هایی از اهل مکه نزد او می‌آیند و او را بیرون می‌کنند و او این کار را ناپسند می‌داند (مخالفت می‌کند) پس با او در بین رکن و مقام بیعت می‌کنند.... (ابی داود، ۱۳۷۱، ۴۲۳).

سنن ترمذی و مسند احمد بن حنبل نیز چنین احادیثی با همین مضامین نقل کرده‌اند (ترمذی، ۳، ۳۴۳؛ ابن حنبل، ۱۹۸۵، ۶ و ۷۴). با توجه به این

احادیث، اندیشه ظهور مهدی در تفکر اهل سنت، در پیدایی فرقه مهدوی هند؛ سپس فرقه ذکری، بسیار تأثیر گذارده است. محمد جونپوری فرزند سید یوسف و نام مادرش آغا ملک بود. پس از ادعای مهدویت نام مادرش به آمنه و نام پدرش به عبدالله تغییر کرد. سن وی را ۶۳ سال نوشته‌اند. نام خودش محمد بود. او به مکه رفت و در آنجا میان رکن و مقام ابراهیم ادعا کرد که «مهدی موعود» است. وی اصل امر به معروف و نهی از منکر را از اصول اصلی برنامه‌هایش می‌دانست. بنابراین، نامه‌هایی به پادشاهان و حاکمان منطقه‌های پیرامونش نوشت و آنان را به مهدویت خودش فراخواند (دامنی، ۱۳۸۳، ۱۹-۲۰). پیروان او نیز بر این اصل بسیار پای می‌فشردند؛ چنان‌که در زمان کسی از شهیرترین پیروانش؛ یعنی شیخ علائی که هم‌زمان با سلیم شاه سوری (۹۵۵ق) به تحریک مخدوم الملک کشته شد، «شمشیر و سپر همه وقت همراه و در شهر و بازار هر جا نامشروع می‌دیدند، اول به مدارا منع و اگر مؤثر نمی‌شد، قهراً و جبراً تغییر آن نامشروع می‌دادند» (فرشته، ۱۳۸۷، ۲، ۱۱۶). آنان برای تحقق یافتن احادیث پر شدن جهان از عدل و داد پس از قیام مهدی، به چنین کارهایی دست می‌زدند.

داستان محمد مهدی (به گمان محمد اتکی) نیز نزد ذکری‌ها چنین است، اما اندک تفاوتی در این باره دیده می‌شود. برای نمونه، به تولد او اشاره نکرده، بلکه از ظهورش سخن گفته و او را نیز فرزند عبدالله دانسته و به مهدی ملقب کرده و نسب او را به سادات رسانده‌اند (آسیابادی، ۱۳۹۹، ۱۰). او نیز به حج رفت و آنجا درباره مهدویت ادعا کرد (صدیقی، ۱۹۸۹، ۳). البته جامعه هند و بلوچستان به اندیشه‌ها و کارهای این دو، متفاوت با یکدیگر پاسخ دادند و این واکنش‌های متفاوت موجب شد که در مراحل بعدی، فرقه ذکری از فرقه مهدوی بسی دور شود. با توجه به حضور علمای بسیار در جامعه هند، زمینه‌ای برای فراگیری ادعاها و اندیشه‌های آنان فراهم نیامد، اما اوضاع اجتماعی بلوچستان، ناآگاهی علمی و گرایش فراوان مردمان آنجا به تصوف، موجب شد که به محمد اتکی و آموزه‌های او بگرایند. پیوستن خاندان‌های حاکم بلیده‌ای و گیچکی به این فرقه و حکومتی شدن آن نیز در دور شدن ذکری‌ها از مهدویون، بی‌تأثیر نبود.

(ب) تصوف

دومین خاستگاه اعتقادی ذکریان، اندیشه‌های صوفیانه است. محمد جونپوری نزد شیخ دانیال چشتی درس آموخت، با او بیعت کرد و در سلک مریدان او درآمد. جانشینان محمد جونپوری نیز با شیخ سلیم چشتی بیعت کردند. شیخ علائی نخست با شیخ سلیم چشتی بیعت کرده بود، اما متأثر از عبدالله نیازی به مهدویون پیوست. سلسله چشتیه از سلسله‌های صوفیانه است که در هند پیروان فراوانی داشت. پیروان طریقت چشتیه به شریعت و احکام دین بسیار توجه می‌کنند. شریعت نزد آنان بر طریقت مقدم بود (آریا، ۱۳۶۵، ۲۰۳). تصوف به‌واقع همچون ظرفی مستعد است و به همان اندازه که هدایت می‌کند، منحرف‌کننده است. از این‌رو، برخی از سلسله‌های تصوف، به شریعت بسیار توجه می‌کردند. محمد جونپوری به‌رغم گذراندن مراحل صوفیانه و ادعای مهدویت، به شریعت و احکام شرعی دین پای‌بند بود. ترک دنیا، صحبت با صادقان، عزلت از خلق، توکل علی الله، طلب دیدار حق، ذکر کثیر و هجرت، از مهم‌ترین اصول مهدویون هند بود (الحسنی، ۱۹۴۵، ۳۲۵). از سوی دیگر مقامات هفت‌گانه (توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا) نزد صوفیان و عرفا نیز شهرت خاصی دارد (سجادی، ۱۳۷۶، ۲۰). اصول مهدویون هند با مقامات هفت‌گانه صوفیان با یک‌دیگر هم‌خوانند. اندیشه‌های صوفیانه حاکم بر اندیشه‌های محمد جونپوری به‌رغم ادعای مهدویت او، هرگز به حکومت، قدرت و مسائل سیاسی متمایل نبود. او حتی مریدانش را نیز از شرکت در کارهای سیاسی و حکومتی پرهیز می‌داد (سرافرازی، ۱۳۹۰، ۶۹).

اصول بنیادین فرقه مهدوی که با مقامات هفت‌گانه تصوف نزدیکند، در آثار ذکریان نخستین نیز دیده می‌شوند. برای نمونه، برخی از این اصول مانند ترک دنیا، صحبت با صادقان، عزلت از خلق، توکل علی الله و طلب دیدار خدا، عنوان‌های ابیات و اشعار دیو / ن شیخ محمد درافشانند (درافشان، ۱۹۸۵، ۸۳-۳۱). رنگ و بوی اندیشه‌های صوفیانه در بسیاری از ابیات دیو / ن شیخ محمد درافشان نیز دیده می‌شود. برای نمونه، در بخشی از اشعارش آمده است:

بگیر مرشد کامل که راه بری به نجات مگیر صحبت جاهل که در سفر مانی
 در صحبت پیری باش تا کشف کند بر تو محبوی عزّ و دل معروفی نور و ظلّ

(همان، ۴۰-۳۹)

به باور ذکری‌ها هر یک از افراد (زن و مرد)، مکلفند کسی را از پیشوایان که با عنوان «سید» از آنان یاد می‌کنند، استاد و مرشد خود برگزینند و با نظارت وی، مراحل سلوک را بگذرانند. آیین بیعت ذکریان با اندک تفاوت‌هایی به بیعت گرفتن صوفیان شبیه است. (sabir, ۲۰۰۸, ۳۱۲-۳۱۳). رابطه مرید و مرشد نزد ذکری‌ها، اصول و آیین ویژه‌ای دارد و به ارتباط مرید - مرشد نزد اهل حق می‌ماند (Minorsky, ۱۹۶۴, ۳۰۹). ارتباط مرید - مراد نزد ذکری‌ها، حتی به گونه‌ای از چنین رابطه‌ای نزد یزیدیان کردستان و بکتاشی‌های آناتولی و آلبانی نیز شبیه است (Rexheb, ۱۹۸۴, ۱۶۰). ساداتی نزد ذکری‌ها با نام «مرشد» برگزیده می‌شوند که از اعقاب افراد خاصی از ذکریان شهیر به شمار می‌روند. برخی از این مرشدان، از فرزندان و نوادگان ملا خدادا چراغند که با نعمت‌اللهی‌ها نیز نسبتی دارند. برخی از سادات آنان از فرزندان میر عبدالله جنگی‌اند. از دید ذکری‌ها، میر عبدالله جنگی از نوادگان جنید بغدادی است که به قصرقند و بلوچستان کوچیدند. شماری از آنان نیز از نوادگان عزیز لاری‌اند. عزیز لاری از مریدان و خاصان محمد مهدی بود (sabir, ۲۰۰۸, ۳۱۲-۳۱۴).

تأکید بسیار بر ذکرخوانی، از دیگر مشترکات عقیدتی ذکریان با جماعت صوفیه است. شاید وردهای صوفیان و شیوه ذکرخوانی ذکریان با یکدیگر متفاوت باشند، اما هر دو گروه خلوت‌نشینی، ذکر، تدبیر و تفکر را مهم می‌شمرند. آیین چوگان نزد ذکری‌ها نیز از سماع صوفیانه تأثیر پذیرفته و با آیین محلی و قومی آمیخته است. بیشتر مشایخ چشتیه هند، سماع را با شروطی مباح می‌دانستند (آریا، ۱۳۶۵، ۲۱۵). ذکریان همانند برخی از مکاتب صوفیانه با دور شدن از شریعت و اتکا به طریقت، به مسائل باطنی‌گری و تأویل آیات و روایات پرداختند. به باور بسیاری از محققان، ماجرای دور شدن آنان از شریعت و روی آوردنشان به مسائل باطنی و تأویل آیات و روایات و تعطیلی برخی از احکام دین نزد ذکری‌ها، از اسماعیلیان متأثر بوده است.

ج) اسماعیلیه

پس از سقوط آل‌موت به واسطه ایلخانان، بسیاری از اسماعیلیان کشته شدند و بسیاری از آنان به مناطق هم‌سایه همچون هندوستان کوچیدند. آنانی که در ایران

ماندند، در لباس صوفیانه تقیه و کارهایشان را دنبال کردند (دفتری، ۱۳۷۵، ۴۹۸-۴۹۷). برخی از اسماعیلیان در ماجرای هجرت اسماعیلیان به مناطق پیرامونی، به مکران کوچیدند و در دره سرباز و مناطق کوهستانی کیچ، جای گرفتند تا از خطر ایلخانان محفوظ بمانند. آنان که با لباس صوفیانه در کشور ماندند و کارشان را پی گرفتند، سرانجام اواخر سده نهم در انجدان (واقع در اراک)، متمرکز شدند (سرافرازی، ۱۳۹۰، ۵۲). اینان با گذشت زمان به شاخه‌های محمدشاهی و قاسم‌شاهی تقسیم شدند. پس از جای‌گیری صفویان و تنگ شدن عرصه اسماعیلیان انجدان، دوران سرگردانی و هجرت آنان دوباره آغاز شد. شاه طاهر انجدانی در زمان شاه اسماعیل صفوی از شاخه محمدشاهی به هند گریخت و نظام‌شاهیان دکن او را پذیرفتند. البته وی در آن‌جا تقیه می‌کرد و خودش را شیعه اثناعشری می‌خواند (معزی، ۱۳۷۱، ۹۳-۹۲). قاسم‌شاهیان نیز به گونه‌ای تقیه می‌کردند و خودشان را شیعه اثناعشری می‌نمودند. سرانجام روابط حکومت صفوی با آنان اواخر دوران شاه طهماسب، به تیرگی گرایید؛ چنان‌که امام شاخه قاسم‌شاهی؛ یعنی مراد میرزا به زندان افتاد (۹۸۱ ق) (همان، ۱۱۲). پس از زندانی شدن مراد «جمع کثیری از متابعانش به قتل رسید و اموال بسیار از آن جماعت واصل خزانه شد؛ چه از تمامی ولایت سند و کیچ و مکران تحف و هدایا به ایشان فرستاده بودند و مجموع به جنسه به دست قزل‌باشان افتاد» (تتوی، ۱۳۸۲، ۵۸۸۳). بر پایه این روایت، اسماعیلیان اواخر سده دهم هم‌زمان با پیدایی فرقه ذکری، در مکران پیروانی داشته‌اند.

به گمان قوی، پیروان اسماعیلی پس از سقوط آل‌موت به مکران روی آوردند تا با دوری گزیدن از مرکز ایلخانان و پناهنده شدن به مناطق کوهستانی بلوچستان، محفوظ بمانند. به نقل از منابع محلی، اسماعیلیان بلوچستان را در آن زمان، سید می‌خواندند (دامنی، ۱۳۸۳، ۲۰). مراد میرزا اندکی پس از زندانی شدنش، از آن‌جا گریخت و از راه شیراز، لار، کیچ و مکران به قندهار رفت (تتوی، ۱۳۸۲، ۵۸۸۴). وی در ماجرای فرار، با سرکشی به پیروانش در فارس، مکران و هند، وجوهات فراوانی از آنان گرد آورد (دفتری، ۱۳۷۵، ۵۳۷). کیش ذکری درست در همین فاصله زمانی در مکران بنیاد یافت. از این‌رو، تأثیرپذیری فرقه ذکری از اندیشه‌های اسماعیلیان محتمل است. افزون بر این

هم‌زمانی و هم‌زیستی، مشترکات اسماعیلیان و ذکریان در زمینه تأویل آیات، روایات و جابه‌جایی و تعطیلی برخی از احکام دین، این تأثیرپذیری را تأیید می‌کند. نیز دور شدن ذکری‌ها از مهدویان در باور و رفتار، عامل دیگری در تقویت تأثیرپذیری آنان از اسماعیلیان است؛ زیرا مسائلی مانند تأویل آیات و جابه‌جایی یا تعطیل احکام دین، نزد مهدویان رایج نبود. به‌رغم درستی محتمل این تأثیرپذیری، بر اثر کمبود منابع تاریخی و روشن نبودن تعاملات دقیق آنان با یک‌دیگر و تأثیر و تأثر شخصیت‌های خاص، در این‌باره با احتیاط باید سخن گفت.

نتیجه

محمد جونپوری آغاز سده دهم، آغازگر انشعاب نحله مذهبی ذکری‌ها در هند بود. کمابیش یک قرن بعد از او، فرقه ذکری را کسی از پیروانش که شاید محمد انکی بوده باشد، در بلوچستان پایه گذارد. قدرت ذکری‌ها قرون یازدهم و دوازدهم در مکران به اوج رسید، اما پس از آن ذکری‌ها به انشعاب داخلی دچار شدند و به ضعف و افول روی نهادند. آنان خوانش خاصی از اصول دین عرضه کردند. از دید آنان مهدی موعود (عج) ظهور کرده است. آنان حتی به جایگاهی بالاتر از امامت برای مهدی باور داشتند و با تأویل آیات و روایات، به تعطیل و جابه‌جایی برخی از احکام دین پرداختند. برای شناسایی خاستگاه‌های نخستین این فرقه، توجه به این موضوع ناگزیر است که اعتقادات ذکری‌ها در مراحل تاریخی فراوان متطور شد. بی‌اعتنایی به این امر موضوع موجب شده است که بسیاری از محققان با ویژگی‌های اعتقادی دوره‌های بعد به‌ویژه باورهای معاصر آنان، در پی شناخت سرچشمه‌های باورها و اصول ذکری‌ها باشند. باری، اعتقادات و اندیشه‌های ذکریان نخستین با اعتقادات و اندیشه‌های ذکریان امروز، بسیار متفاوت است، بلکه سرچشمه‌های اندیشه‌های آنان با تفکیک مراحل تاریخی و تطور مسائل اعتقادی آنان بهتر روشن می‌شود. بنابراین، ذکریان نخستین از اندیشه مهدویت و تشکیلات صوفیانه بهره بردند و به کمک محیط فرهنگی و اجتماعی بلوچستان آن زمان، کارشان را در این منطقه آغاز کردند. نقطه آغازین پیدایی این فرقه، طرح ادعای پیشوای آنان با نام «مهدی موعود» و شیوه کار و گستراندن کیش آنان با

تشکیلات صوفیانه هم‌آهنگ بود. ذکری‌ها در دوره‌های بعدی آرام‌آرام درباره جایگاه و مقام مهدی غلو کردند و به تأویل و تعطیل یا جابه‌جایی احکام دین پرداختند. تأثیرپذیری محتمل ذکریان از اسماعیلیان، غرق شدن آنان در اندیشه‌های غالیانه و دچار شدنشان با بدعت‌ها و سنت‌های قومی و محلی، به تطور اعتقادی آنان در مراحل تاریخی بعدی انجامید.

کتابنامه

- آریا، غلامعلی (۱۳۶۵)، *طریقت چشتیه در هند و پاکستان*، تهران، انتشارات کتابفروشی زوار.
- آسیابادی، احتشام الحق (۱۳۹۹ ق)، *ذکریها را بشناسید*، ترجمه محمدابراهیم دامنی، تربت پاکستان، جامعه رشیدیه آسیاآباد.
- (۱۹۸۹ م)، *ذکری مذهب کی عقائد و اعمال*، چاپ دوم، تربت پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۹۵۸ م)، *المسند*، شرح احمد محمد شاکر، مصر، دار المعارف.
- ابی داود (۱۳۷۱ ق)، *سنن ابی داود*، تعلیق احمد سعد علی، قاهره، ملتزم الطبع و النشر.
- احمد، عزیز (۱۳۶۶)، *تاریخ تفکر اسلامی در هند*، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران، انتشارات کیهان.
- اسپونر (۱۳۷۷)، «بلوچ و بلوچستان»، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، بی‌نا؟
- استخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۷۳)، *ممالک و مسالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، تهران، انتشارات موقوفات محمود افشار یزدی.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (بی‌تا)، *مرآت البلدان*، چاپ سنگی، بی‌جا، بی‌نا.
- الحسنی، عبدالحی بن فخرالدین (۱۹۴۵ م)، *نزهه الخواطر و بهجه المسامع و النواظر*، حیدرآباد دکن، مطبعه المجلس دائره المعارف النعمانیه.
- ایران دوست، عبدالوهاب (۱۳۹۲)، *مصاحبه با آگاهان به تاریخ شفاهی بلوچستان به ویژه ذکریان*، ساکن روستایی از شهرستان سرباز.
- بداؤنی، عبدالقادر (۱۳۸۰)، *منتخب التواریخ*، تصحیح مولوی احمد علی،

- مقدمه و اضافات توفیق سبحانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بزرگزاده، عبدالباسط و نورالنساء، ملازاده (۱۳۸۴)، زندگی، شخصیت و مبارزات مولانا عبدالله سربازی پدر بزرگوار مولانا عبدالعزیز (ره)، تهران، نشر احسان.
- بلوچ، عبدالحق (۱۹۹۲ م)، ذکرِ مسئله، لاهور، الدار العروبه.
- ترمذی، محمد بن عیسی (بی تا)، سنن الترمذی، تحقیق و تصحیح عبدالرحمان محمد عثمان، مدینه، المكتبه السلفیه.
- تتوی، قاضی احمد و آصف خان قزوینی (۱۳۸۲)، تاریخ الفی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفری، علی اکبر (۱۳۴۲)، «بلوچ و بلوچی»، سخن، سال ۱۴، شماره ۱۰.
- دامنی، محمدابراهیم (۱۳۸۳)، «ماهیت ذکریان فرقه ذکری و اعتقادات آن»، ندای اسلام، سال ۵، شماره ۱۹.
- درافشان، محمد (۱۹۸۵ م)، در وجود، تصحیح شیخ محمد نوری، تربت پاکستان، انتشارات بهرام شاه و شیخ یوسف.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۵)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزاد.
- زند مقدم، محمود (۱۳۷۸)، حکایت بلوچ. تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سجادی، ضیاءالدین (۱۳۷۶)، مقدمه ای بر مبانی عرفان و تصوف، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
- سرافرازی، عباس (۱۳۹۰)، «فرقه مذهبی ذکری‌ها در بلوچستان». پژوهشنامه تاریخ اسلام، سال ۱، شماره ۳.
- صدیقی، ضیاءالحق (۱۹۸۹ م)، ذکرِ مذهب کا تفضیلی جائزه، اشاعت دوم، تربت پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت.
- عبدالمجید (بی تا)، ذکرِ مذهب اور اسلام، تربت پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت.



- بی‌نا، *تاریخ انبیا و اوصیا و ملوک ایران*، نسخه خطی شماره ۴۱۷۸، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- لدھیانوی، محمد یوسف (۱۹۹۰ م)، *بینات*، کراچی، جامعہ العلوم الاسلامیہ.
- مشیزی، محمدسعید (۱۳۶۹)، *تذکرہ صفویہ کرمان*، مقدمه و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، نشر علم.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۸۵)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، نشر کومش.
- معزی، مریم (۱۳۷۱)، «اسماعیلیان ایران از سقوط الموت تا امروز با تکیه بر دوران معاصر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی.
- نصیر، میرگل خان (بی‌تا)، *تاریخ بلوچستان*، ترجمه ملک بلوچ، بی‌جا، بی‌نا.
- نعیمی، عبدالرشید (بی‌تا)، *الدر الثمین فی سیره سید المرسلین*، بی‌جا، بی‌نا.
- واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۸۳)، *خلد برین*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- هندوشاه استرآبادی، محمد قاسم (۱۳۸۷)، *تاریخ فرشته*، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- Minorsky, Vladimir (1964), "the sect of the ahl-i Hakk", in: Vladimir Minorsky, *Iranika*, Tehran, university of Tehran, pp 306-316.
- Pastner C, and Pastner S (1973), "Makran, Baluchistan District Gazetteer Serhes", vol II, Bombay.
- Rexheb, Baba (1984), "the mysticism of Islam and Bektashism", introduced by Peter R. Prifti, English translation from Albanian with a glossary and bibliography by Bardhy Pagoni. Naples: Dragotti.
- Sabir, Badalkhan, (2008) "Zikri Dilemmas: Origins, Religious Practices, and Political Constraints", *The Baloch and Others: Linguistic, Historical and Socio-Political Perspectives on Pluralism in Balochistan*, Edited by A. Korn, C. Jahani and P. Titus, Wiesbaden, Reichert Verlag, pp. 293-326.